



جهاد اقتصادی لازمه و ذات اقتصاد اسلامی است

رئیس مرکز مطالعات مبانی و مدل‌های اقتصادی با تشریح ارکان و الزامات اقتصاد اسلامی گفت: مفهوم جهاد اقتصادی یک عبارت اقتصاد اسلامی است و فرهنگ جهاد در ذات آن است که باید ریشه‌یابی و طراحی شود.

رئیس مرکز مطالعات مبانی و مدل‌های اقتصادی با تشریح ارکان و الزامات اقتصاد اسلامی گفت: مفهوم جهاد اقتصادی یک عبارت اقتصاد اسلامی است و فرهنگ جهاد در ذات آن است که باید ریشه‌یابی و طراحی شود.

سید مهدی زریباف در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی باشگاه خبری فارس "توانا" اظهار داشت: اگر بخواهیم وارد فاز اقتصاد اسلامی شویم باید تبدیل به یک تمدن شد. علت عدم مدون شدن، کاربردی شدن، ارائه و فرهنگ‌سازی اقتصاد اسلامی نداشتن یک اندیشه مدون در این زمینه است و این یک خطر بزرگ برای انقلاب محسوب می‌شود.

* فقه به تنهایی برای اقتصاد اسلامی کافی نیست

وی ادامه داد: بعد از انقلاب رویکردهای مختلفی وجود داشت که یکی از این رویکردها پیشبرد اقتصاد به شکل فقهی و به صورت افراطی بود که این مسئله امکان پذیر نیست زیرا علاوه بر فقیه نیاز به فیلسوف و متدولوژیست (روش شناس) اقتصادی و اجتماعی نیز وجود دارد.

این کارشناس اقتصاد اسلامی عنوان کرد: با توجه به کثرت مراکز آموزشی، تعداد افراد متخصص در این حوزه و میزان علم تولید شده سوال بر انگیز بوده و جای بررسی دارد.

وی در خصوص متدولوژی متذکر شد: تا هنگامی که به یک روش علمی اسلامی در تولید محتوا در علوم انسانی و اقتصادی نرسیم نمی‌توان ادعا اقتصاد اسلامی کرد.

* لزوم اقتصاد اسلامی با محوریت روش شناسی

وی با اشاره به تلاش صورت گرفته در سالهای پس از انقلاب، گفت: در حوزه روش شناسی فعالیت زیادی صورت نگرفته و مبانی علم اقتصاد کشف نشده است در حالی که با استفاده از روش‌های غربی و یا فقهی تنها نمی‌توان اقتصاد اسلامی را تدوین کرد بلکه باید به بطن علم اقتصاد توجه کرده، در خصوص فلسفه و روش شناسی اقتصاد عمیق شده و جدی فعالیت کرد.

زریباف معتقد است: کانون تفکر اقتصاد اسلامی باید با محوریت روش شناسی طراحی شود و اگر با رویکرد روش شناسی در تولید ارزشهای اقتصاد اسلامی حرکت کنیم درها باز می‌شود.

* فرهنگ جهاد در ذات اقتصاد اسلامی است

این کارشناس عنوان کرد: مفهوم جهاد اقتصادی یک عبارت اقتصاد اسلامی است و فرهنگ جهاد در ذات آن است که باید آنالیز، ریشه‌یابی و طراحی شود.

وی با اشاره به اینکه محور اقتصاد اسلامی عدالت است و جز عدالت تفکری برای اقتصاد اسلامی متصور نیست، خاطرنشان کرد: عدالت فقط در عرصه عمل و اجرا نیست. نظام سرمایه‌داری درحالی که کفر است ولی به دلیل تمسک نسبی به عدالت پایدار مانده است.

این پژوهشگر عنوان کرد: در اسلام عدالت ذاتاً ارزشمند است ولی باید در نظام برنامه ریزی و قانون گذاری استفاده و کاربردی شود ولی قبل آن نیاز به شناخت حوزه‌ها و عرصه‌های آن است.

* عدالت غربی برخاسته از نگاه ابزاری

زریباف با اشاره به سطوح مختلف ابزاری، مبنایی و رونمایی عدالت، بیان داشت: عدالت در غرب برخاسته از نگاه ابزاری آن است و آن را تکاثر سود و ثروت می‌داند درحالی که عدالت مبنایی سیستم اسلام است و با روش شناسی می‌توان تشخیص داد که عدالت از کدام نوع است.

وی با اعتقاد به مکتب عدالت ساختاری در اقتصاد اسلامی، اظهار داشت: عدالت ساختاری بدین معنا است که اگر در نظام اقتصادی عدالت مبنی باشد تحولات عظیمی رخ خواهد داد.

عدالت ساختاری به عنوان یک مکتب قولی در اقتصاد اسلامی می‌تواند راه را به سمت نظریه پردازی باز کند و می‌توان مکاتب متنوعی

را مبتنی بر مفاهیم بکر اسلامی تولید و نظام سازی کرد.

*معنای تولید و توزیع در عدالت متفاوت است

این کارشناس اقتصاد اسلامی با اعتقاد به اینکه عدالت یک واژه مفهوم ساز است، اظهار داشت: اگر عدالت مبنا تولید و توزیع قرار گیرد، نگرش متفاوت خواهد شد.

وی در ادامه تشریح کرد: در اقتصاد اسلامی در حوزه توزیع، کیفیت توزیع است که باید عادلانه باشد، در تولید بجای حجم تولید ظهور عدالت در روابط تولید، حقوق تولید، احیا و رسیدن هر چیزی به نهایت فعلیت خود حائز اهمیت بوده و در بحث مصرف رسیدن به حد کفایت‌ها و پاسخگویی نیازها اهمیت دارد.

زربیاف با اشاره به اینکه یک واژه باید عام باشد تا بتوان به کمک آن نظام سازی صورت بگیرد، عنوان کرد: عدالت به دلیل تولید معانی مختلف، قدرت بالایی در تفسیر داشته و این امر توانایی تولید علمی که علم اقتصاد غرب را در خود ببلعد، خواهد داشت.

*حق‌گرایی روشمند و تکلیف‌گرایی هدفمند

زربیاف تصریح کرد: عدالت دارای متدولوژی است و روش تحلیل می‌دهد، منطق تحلیلی هم دارد. وی این متدولوژی تحلیل را "حق‌گرایی روشمند و تکلیف‌گرایی هدفمند" نامگذاری کرده و بیان داشت: این روش تحلیل برآمده از مفهوم عدالت در عرصه‌های انسانی است و منظور از حق‌گرایی روشمند این است که در برخورد با مسائل، موضوعات و مفاهیم همواره به دنبال مواضع حق بوده و سعی کنید به طور منطقی آنها را انسجام دهید.

این کارشناس اقتصاد اسلامی با اشاره به اینکه جامعه متشکل از فرد، خانواده، جامعه و دولت می‌شود، گفت: این اجزاء هویت دارند ولی اصالت ندارند بدین معنا که اینان حقوق دارند اما مهم نبوده و مبنا نیستند بلکه مدار حق بوده و اصطلاحاً اصالت حق گفته می‌شود.

وی با اشاره به اینکه اجزاء جامعه بر اساس حقوق متقابل با یکدیگر تعامل دارند و این حقوق از حق گرفته می‌شود، ادامه داد: فرض عدالت تقابل حق و مسئولیت است و این نشان دهنده اصالت حق بوده و حق‌گرایی روشمند تحقق و شناخت حقوق به صورت روشمند و منطقی است.

*رشد از فرآوری مفاهیم اولیه اسلام حاصل می‌شود

زربیاف با اشاره به اینکه مفاهیم و مواد اولیه در اسلام و آیات و روایات وجود دارد، گفت: این مفاهیم اولیه باید فرآوری شده و قابل استفاده برای عموم شود تا بتوان نیاز روز را با آن رفع کرد در غیر این صورت رشد نخواهیم کرد و رسیدن به جایگاهی بدون تحمل زحمت خلاف عدالت است.

وی در ادامه افزود: مسکن یک حق شهروندی برعهده دولت است البته باید حدود و ابعاد مسکن در چارچوب تفکر اسلامی بررسی شود و وظیفه علوم انسانی استخراج و شناسایی حقوق و روابط بین آنها است. ولی با توجه به قانون اساسی و لزوم تامین مسکن برای هر ایرانی با در نظر گرفتن کمبودهای موجود در حوزه مسکن به نظر می‌رسد اگر از اول انقلاب این مسئله مهم بود اکنون شاید صنایع خودروسازی نداشتیم ولی هر فرد یک مسکن داشت.

زربیاف عنوان کرد: این کم‌کاری به دلیل عدم بینش درست و نگرش سرمایه‌داری بوده است که بر اساس آن تخصیص سرمایه صورت گرفته است.

* تصاحب دنیا با نگاه حق‌گرا

این کارشناس ادامه داد: هنگامی که به طور جامعه نگاه می‌شود دیگر منابع خودروسازی که برای آن 150 میلیارد دلار در آمد نفت هزینه شده است بی اهمیت می‌شود، و این سرمایه می‌توانست صرف مراکز فکری اقتصاد اسلامی می‌شد و اگر نگاه حق‌گرا شود در کوتاه‌ترین مدت دنیا را می‌توان تصاحب کرد.

این کارشناس عنوان کرد: عدالت یک ارزش مطلق فطری است وقتی عدالت ساختاری در اقتصاد عنوان شود به دلیل اینکه این مفهوم برای همگان معنا دارد می‌تواند با مکتب‌های بیگانه نیز ارتباط برقرار کرد.

* ذات عدالت توسعه است

زربیاف با تأکید بر مدل اقتصادی حضرت علی(ع): «ان فی العدل سعة»، بیان داشت: این حدیث عنوان می‌کند که اگر عدالت پیاده شود توسعه حاصل می‌شود و ذات عدالت توسعه است در حالی که غرب معتقد است توسعه عدالت را به دنبال دارد. وی ادامه داد: بر اساس قانون نسبت تکاملی تنظیمات، وقتی حقوقی شناخته شود، تنظیمات شکل می‌گیرد و حقوق مراتب دارد، و

تامین نیاز، حقوق جدید ایجاد می‌کند که این حقوق موجب رشد و تکامل همه جانبه می‌شود متوازن شده و تضاد طبقاتی را از بین خواهد برد و همه به نهایت فعلیت خواهند رسید.

این پژوهشگر اقتصاد اسلامی عنوان کرد: تمام مباحث اقتصاد اسلامی، توزیع عادلانه منابع و براساس حقوق است نه بر اساس افراد و امیال. در عدالت ظرفیت اخلاقی افراد متوازن رشد می‌کند یعنی رشد مادی و معنوی در ضمن اینکه افراد به نسبت یکدیگر نیز متوازن هستند.

* تبدیل حق‌گرایی به تکلیف‌گرایی در حوزه عمل

زربیاف خاطر نشان کرد: در حوزه عمل حق‌گرایی تبدیل به تکلیف‌گرایی می‌شود بدین معنا که وقتی حقوق را شناختی تکلیف می‌آید و هر شخصی در هر لحظه مکلف به انجام تکلیف‌اش است و روش تبدیل به هدف می‌شود. درست است که مکلف به نتیجه نیستیم ولی باید جهت مشخص باشد اهداف، روش و مسیر را تعیین می‌کند

* عدالت مطلق‌ترین ارزش فطری قابل اندازه‌گیری

این کارشناس معتقد است: عدالت به معنای مطلق‌ترین ارزش فطری قانون‌پذیر "قابل اندازه‌گیری" است که می‌توان به نسبت حقوقی که محقق شده است ضریب عدالت را تعیین کرد.

زربیاف با بیان اینکه هیچگاه نباید تعریف اقتصاد را از غرب گرفت بلکه باید غالباً را طراحی و پیدا کرد، گفت: اقتصاد اسلامی با توجه به آیه «النوازل فی المعیشه من حیث الغنا و الرزق» یعنی ایجاد توازن در معیشت و زندگی مردم از جهت بی‌نیازی و رزق و روزی الهی.

* اقتصاد اسلامی یک تئوری ملموس نیست

وی بیان داشت: چیزی به طور مشخص و ملموس وجود ندارد که بگوئیم این اقتصاد اسلامی است بلکه تفکر اسلامی به توازن در معیشت می‌اندیشد اما حیث‌ها فرق می‌کند و این یک مصداق از عدالت است و یک سطح دیگری از اندیشه است.

این کارشناس عنوان کرد: اگر عدالت را زیر ساخت تفکر بگیرد در یک سطحی ایجاد توازن در معیشت مردم می‌شود عدالت اجتماعی، هنگامی که بحث بی‌نیازی مطرح می‌شود عدالت اجتماعی، اقتصادی می‌شود و اگر نیاز رفع شد مابقی طمع است

وی با استناد به تحقیقی که انجام داده است، گفت: اقتصاد در اسلام 17-18 معنا شده است ولی تمام این معانی حول عدالت بوده است در ضمن اینکه اقتصاد، اسلامی است ولی برای مشخص کردن مرزها و جدا کردن حدود از مکتب غربی، اقتصاد اسلامی بیان می‌شود.

زربیاف معتقد است: اقتصاد اسلامی و اقتصاد غرب مانند عصای موسی و سحر ساحره است اقتصاد اسلامی به حدی عظمت دارد که اگر به اذن خدا باشد با یک تفکر عدالت همه چیز از بین می‌رود چون حقیقتی نداشته در واقع تفکری که از وصل به وحی الهی و صراط مستقیم نباشد از بین می‌رود.